

سرمایه ایران خارجی میزند و نه تنها بری را با جهشهای گرانتر بفرستد، تحویل میدهد بلکه همین مارا مجبور میسازد که در آینده برای تامین سوخت این نیروگاه ها خود همین سرمایه داران بدینگونه بپردازند...
از نظر منابع اورانیم هم است. اگر فرض چنین باشد از نظر اکنون کشورهای امپریالیستی و از آنجمله اتحاد شوروی سوخت گرفته اند. که این منابع را در اختیار خود در آورند...
چهار پیشینه های متعددی از جانب کشورهای شوروی، فرانسه، آلمان، فنلاند، سوئد و کانادا برای استخراج و بهره برداری از ذخایر اورانیم ایران واصل شده...
۲۵ خرداد ۵۳) اگر فرض چنین منابع غنی در کشور ما وجود داشته باشد دیگران آنرا بیضا خواهند برد و مسترد میسازند ما همچنان از آنها محروم خواهیم ماند...
بر روی اقیانوس از نفت و گاز خوابیده ولی مردم آن روستاها از سرمایه تلف میشوند...
از این سیاست شاه تنها کسی که بهره میگیرد کشورهای امپریالیستی و سوسیال امپریالیسم است...
۲- ایران کشور عقب افتاده ای است و مردم آن فقر، گرسنگی، بیخانمانی، آلودگی، دروغ و کذب و غلامان میگردند...
برای تامین مایحتاج اولیه زندگی مردم باید آنرا تولید کرد...
برای اینکه باید از پولهای هنگفتی که هم اکنون بابت نفت عاید کشور میشود در داخل و در رشته های مورد نیاز سرمایه گذاری پرداخت کرد...
ای سیاست شاه از این زمینه چیست؟ شاه صنعت معتنایی از دلایلی را که سالیانه بدست میآورد...
سرمایه گذاری در خارج از کشور میکند...
خارجی دعوت میکند که در ایران در...
بفکر رصفه ۲

شاه بر سر سفره گسترده و پیریهاتی که بیرون صاحبان واقعی آن غصب کرده، نشسته و نعمت های آنرا بی دریغ میان امپریالیست ها و نیروهای ارتجاعی پخش میکند و از آنجا که ایران یکی از صحنه های حصار سوخت و همکاری و انیسو قدرت است...
این بهره بیگانه ارباب شاه هیچ اقدامی بدست نمیبرد مگر آنکه از آن سودی عاید شرفندان جهان کرد...
است که می توان اقدامات شاه را که بیشتر به اعمال سفلیانسان شباهت دارد توجیه کرد...
۱- امروز کشورهای صنعتی، نیروی برق خود را از نیروگاه های حرارتی که با نفت و گاز پال سوخت بدست میآورند...
بسیار غنی است زیرا می توانیم نیروی برق خود را با استفاده از سوخت ارزان قیمت به بهای ارزان تولید کنیم...
از نیروگاه های امپریالیستی می نیاز باشیم...
اما سیاست شاه در این زمینه چیست؟ شاه بر آنست که نفت و گاز پور را بقیضی هستند و نباید برای تولید برق آنها را بسوزاند و به در راه از آنها باید در صنایع شیمیایی و نیروی شیمی استفاده کرد...
لیست ها و سوسیال امپریالیست ها میفرشند و بجای آنکه در تولید این دو ماده اولیه یعنی بخرج دهند دست بردارند...
پیوسته بر تولید آنها می افزایند و همه را به قیمت سیخ و در اختیار کشورهای امپریالیستی و شوروی میکند...
بسیار زنده و روشنائی، کریم و نیروی محرکه صنایع خود را تامین کنند...
کشورهای امپریالیستی دراز میکند تا برای او نیروگاه های امپریالیستی و برق کشور ایران از این نیروگاه بدست آید...
شاه بدینوسیله صد ها ملیون بلکه میلیاردها دلار را بجهت فراق

« اقتصاد مکتوم »
هنگامی که شاه ایران برای دومین بار در سفر خود به فرانسه سفر کرد تا بورژوازی انحصاری فرانسه را نزدیکتر قرار دهد...
بورژوازی کشورهای صنعتی دیگر از گاز و نفت و سایر محصولات نفتی و کربن برای ستایش از شاه و فرح پیروز بگریزیدند...
این ستایش گاه به این حد کشید که شاه از آنجمله مردم فرانسه و او را فراموش نمیکند...
فرح غیر آکادمی هنرهای زیبای فرانسه شد...
ستایش از « زین سلطنتی » گاهی نیز بصورت آنچنان تعلق و مده افتادی در آمد که در پیروشها و خطبای درباری است...
البته در جاتی که سخن از دهها میلیارد فرانک میسوزد چنین صحنه های شمشیر کشنده ای برای نمایندگان بورژوازی طبیعی است...
برابر ۲۲ میلیارد فرانک چنین گزینی در برابر شاه و فرح ضروری می نماید...
پیشرفت که قلب حقایق تاریخی و آنهم حقایق که مانند روز روشن است...
این روزنامه در سرفاله خود شاه را « شاهزاده ای واقعی » می نامد که « جرئت کرد نفت خود را طی کند...
سرفاله اتومبیل روزنامه لوموند خوب میدانند که ملی شدن صنعت نفت در ایران محصول مبارزه طولانی خلق های ایرانست...
با دست دولت دیگر صدق و مرحله قبل در آید...
راه آن موانع و مشکلاتی آید...
انداخت و دیگر صدق و از مقام نخست وزیر عزل کرد...
وی « کشتیانی را که سیاستی درگامد...
ولی مبارزه خلق ایران او را افسار کرد...
توانست بیک امپریالیسم آمریکا و انگلستان به تخت سلطنت باز کرد...
ثروتی را که خلق ایران با مبارزه از چنگ امپریالیسم انگلستان بدو آورده بود...
نفت نیز از آن بی بهره نماند...
چنین است واقعیات تاریخی که روزنامه لوموند قانع نیست آنها را انکار کند...
« کودتای اقتصادی ایران در فرانسه پیش آمده...
باید از این کودتا که در روزهای برای نجات بورژوازی فرانسه از مشکلات اقتصادی می کشاید...
در سرفاله ۲۵ ژوئن...
جمهور فرانسه به « مکل بودن در اقتصاد...
بفکر رصفه ۲

سیاست اتکالی مردمان اتکالی

باید هیئت حاکمه را مجبور کرد که قدم بقدم در مسئله...
نفت...
در انتخابات مجلس در سال ۶۶ همین روزنامه نوشت...
ها تا به « مجلس شورای ملی » نوشتند که « مشوریت »...
توجه کند و انتخابات را به علت فقدان آزادیهای دموکراتیک...
بعقب اندازد...
فشار میتوان شاه را در مورد آزادیهای دموکراتیک...
نشینی و ادانت و این « عقب نشینی » را گویا می توان از طریق « نامه نویسی »...
آنها در این سیاست گمراه کننده خود تا آنجا پیش رفتند که ایداعنامه ای علیه نصیری رئیس سازمان امنیت صادر کردند...
حاکمه بکند و محکوم کند...
شاه تا چه درجه پیش رفته بود...
در مورد بیطرفی با شوروی و مبارزه شاه با امپریالیسم...
نیروهای شرقی و ملی و دموکراتیک...
مبارزه خود دولت ایران را وارد کردند...
مناسبت حد اکثر استفاده کند...
بطور کامل میبرد...
« سرحدات زمامداران ایران را اکنون درگیر نیست...
کم در مورد استعمار انگلیس در تنگای خلیج...
شعار ضد امپریالیستی و ضد استعماری...
به هم آوایی و ادانت است...
نداشتنند که در مورد استعمار انگلیس هم آوایی...
داشته اند...
آنها در گذشته...
مسئله امین بخاطر آزادیهای دموکراتیک...
خود قرار داده بودند...
در شرایط کنونی مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک...
یکی از مهمترین و اساسی ترین وظایف نیروهای...
و ترقیخواه جامعه است...
« در راه مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک...
برای مبارزه در راه « قانون سیاه...
بفکر رصفه ۲

بهرائی انسان از جوش ها و پند بازهای سیاست...
روزی نیست ها در شکست میماند...
اندازه فروزنکار میفرماند...
هنوز دیری نمیگذرد که این آقایان مردم را به چنانزده...
مسئله امین بخاطر آزادیهای دموکراتیک...
آنها با هزار « دلیل و برهان » در گوش مردم میخوانند...
این « چپ رو » ها که بدنیال سرتکونی شاه اند...
پلانکیست اند...
« وضع انقلابی »...
زور و فشار گویا همان عالمی که شاه را به « عقب نشینی »...
و ادانت کرده است...
« هیئت حاکمه ایران در سالهای اخیر مجبور شده...
قبال بعضی از این شعارها که خواست مردم ایرانست...
عقب نشینی های محدود دست زدن...
محدود اعتراف به صحت و عدالت خواست های...
ایران است...
مردم ایران رفته و به آنها تحقق بخشیده است...
ولی این عقب نشینی های محدود...
حقیقت مردم نیست...
مسئله نفت...
حزب کمونیست جدید حزب کمونیست مارکسیست...
حزب کمونیست مارکسیست...
بدست آورده است...
و چپ روانه خود و با اعتقاد به حقایق تاسیس حزب پیشاهنگ...
روزی و پیوسته به اکثریت قریب به اتفاق تصمیم گرفت سازمان خود را شغل سازد...
به پیوسته...
حزب مارکسیست...
دیگری از مارکسیست...
لنینیست فرانسه نمیتواند...
حزب پیشاهنگ طبقه کارگر فرانسه...
بفکر رصفه ۲

حزب کمونیست جدید حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه در گوش خود بخاطر وحدت همه مارکسیست - لنینیست ها اخیرا گامی بزرگ بدست آورده است...
و چپ روانه خود و با اعتقاد به حقایق تاسیس حزب پیشاهنگ طبقه کارگر در ۱۹۷۲ تاسیس شده بود...
روزی و پیوسته به اکثریت قریب به اتفاق تصمیم گرفت سازمان خود را شغل سازد...
به پیوسته...
حزب مارکسیست...
دیگری از مارکسیست...
لنینیست فرانسه نمیتواند...
حزب پیشاهنگ طبقه کارگر فرانسه...
بفکر رصفه ۲

شاه، خدمتگزار و سگ پاسبان امپریالیسم است!

شماره پنجاه و یک، بقیه صفحه ۱۰۰، صنایع و کشاورزی، حمل و نقل، ساختمان، ... سرمایه گذاری کنند. برای اینکه آنها بدعوت شاه لیک بگویند همه گونه تسهیلات اقتصاد برای آنها فراهم میآورد، دستمزدها را بالا ببرد و از انحصارات ثابت نگاه میدارد و ... تا حد امکان برای آنها تامین کند و بدینوسیله سرمایه داران خارجی را بپذیرد که نمی آید بشود رشد اقتصادی کشور و تامین نیازمندیهای توده های مردم باشد. آیا تجربه به سالها معامله بنا امپریالیسم کافی نیست برای آنکه این حقیقت مشهود افتد؟

تا آنجا که سرمایه های خارجی اقتصاد ایران را تقویت کرده اند و بر اثر نفوذ سرمایه های امپریالیستی در ایران امروز روز بروز بیشتر از هفتاد سال گذشته، سابق شده اند و روز بروز بیشتر فقر و سیاه به آنها روی آورده است تا جایی که امروز حتی نان خالی هم بجهت بدبختیانی میرسد، اما در عوض سرمایه داران داخلی و خارجی از همه گونه نفوذ و نفوذ برخوردارند و برترتیبهای خود افسانه وار می افزایند.

۳- صنایع: کشور ما به مواد اولیه نیاز دارد و در دست امپریالیست ها است و گردش چرخهای این صنایع را همچنان در دست امپریالیست ها نگاه میدارد. بسیاری نیاز کردن این صنایع از مواد اولیه ای که از خارج وارد میشود یا بعبارت دیگر برای بیرون کشیدن این صنایع از وابستگی به امپریالیست ها باید در درون کشور سرمایه گذاری کرد و به تهیه این مواد پرداخت. اما سیاست شاه ایران اینست که برای تهیه این مواد در خارج سرمایه گذاری شود و در خارج کارخانه های تولید مواد اولیه مشترک تاسیس کرد. بگفته وزیر امور اقتصادی و دارایی "ایران در آینه برای تامین مواد اولیه صنایع خود در کشورهای خارجی سرمایه گذاری مشترک خواهد کرد." (اطلاعات تیر ۵۳) در دوره اول و دوم به نظر میرسد که چگونه ممکن است برای تامین مواد اولیه مورد نیاز صنایع خود در داخل و در خارج سرمایه گذاری کرد. اما "منطق طبقاتی" شاه و منطق نسیب و بربر و منطق او خد متکذری به سرمایه داران خارجی و نگاه داشتن ایران در وابستگی به آنها است.

۴- در دهان موقع که درآمد ایران از نفت به چهار تا پنج میلیارد دلار بالغ گردید، در مطبوعات اظهار نظر شد که ایران دیگر نیازی به قرضه خارجی ندارد. اما شاه در یکی از مصاحبه های خود "مقاصد غیر مستقر را اصلاح کرد و گفت که ایران همچنان به اخذ قرضه از خارج ادامه خواهد داد. اکنون در آینه بیانیه ایران بیست میلیارد دلار است. سیاست شاه در این زمینه چیست؟ او مبلغ یک میلیارد دلار به بانک جهانی وام میدهد که با آن کشورهای دنیا سوم را از طریق دادن قرضه با بهره های زیاد استثمار کند. شاه در واقع با دادن قرضه یک میلیارد دلار به بانک جهانی هم استثمار و غارت خلق چهار را توسط امپریالیسم و بهره امپریالیسم آمریکا تشدید میکند. همه به نفوذ سیاسی و اقتصادی آنها در این کشورها میدان میدهد. اما در عوض خود از بانک جهانی برای اجزای طرحهای خود وام میگیرد. بطوریکه اطلاعات ۲۵ خرداد ۵۳ خبر میدهد: "بانک جهانی در پی برداشت ۱۰۰ میلیون دلار بعنوان وام به ایران را بتصویب رسانید. این مبلغ طی سه ماه بعد آنگاه برای کمک به بخشهای مهم اقتصاد ایران داده میشود. البته برای این واچنهره های سنگین به بانک جهانی پرداخت میشود که بار آن بزرگش توفدهای زحمتکش میهن ما می افتد."

بسیار آبی که برای دریافت وام می تراشند! اینست که ایران "از نظر فنی و تکنولوژی هنوز در مقیاس وسیع محتاج خارج و بانک جهانی میباشد." (اطلاعات ۲۴ خرداد ۵۳) "طی رنج اینکه ایران به صف کشورهای وام دهنده عمده جهان پیوسته معدک پیش بینی نمیشود که دولت دریافت وام از بانکها و منابع دیگر خارجی را بوسیله بانکها و موسسات مالی ایران محدود کند. اتفاق این تصمیم را عوامل چندی منسب شده نخست آنکه قسمت قابل توجهی از وام های خسار جی توام با استفاده از تخصص و کارشناسان خارجی است و دیگر آنکه ادامه دریافت وام به هم آهنگی سیستم پولی جهانی کک میکند." (اطلاعات ۲۴ خرداد ۵۳) طبیعی است تا وقتی که سود سرمایه داران خارج در وابستگی ایران به خسارات

اقتصاد، به تبعیت از صفحه ۱۰۰، فرانسه و ایران اشاره میکند و مینویسد: "مقایسه ایران در تامین نیازمندیهای نفت و گاز فرانسه دارای است و وقتی که قرضه خواهد داشت، در صورتی که در برابری صادرات رکنند کارها برای توسعه صنایع هسته ای کشاید و توجهی که به تکنولوژی میدون میدارد، ساختمان احتمالی کشور در تهران و همچنین طرحهای دیگر در اقتصاد را مکمل یکدیگر میسازد." از یکسو تامین نفت و گاز فرانسه توسط ایران و از سوی دیگر "درونمائی که در برابر صادر رکنند کار فرانسه برای توسعه صنایع" ایران نمود نموده است. آخرین کفران سرمایه داران انگلیسی در تهران نیز اقتصاد ایران و انگلیس را مکمل یکدیگر دانست و بقیه همه سرمایه داران بزرگ دنیا امپریالیست ها هستند و دولت ایران آنها با این عقیده همراهِ و هدایت میکنند.

۵- اقتصاد: مکمل به این معنی است که ایران گاز و نفت بدنیای امپریالیسم و سرمایه امپریالیسم به بهای ارزانی تحویل میدهد و در عوض محصولات صنعتی این دنیا را به بهای گران تحویل میگیرد. بطور مشخص ایران مواد خامی را که برای گردش چرخهای زندگی اقتصادی فرانسه حیاتی است در اختیار فرانسه میگذارد و در عوض محصولات صنعتی فرانسه دریافت میکند و هر اندازه بیشتر از ایران را می بخلد، این اقتصاد مکمل بهیچوجه تازگی ندارد. قرضه است که کشورهای صنعتی از این اقتصاد "مکمل" ترویجی اند و زندگی کشورهای عقب مانده را به فقر و عقب ماندگی محکوم میسازند. پایه استثمار کپیتل و امپریالیسم و استثمار زمین بر همین اقتصاد "مکمل" استوار است. در دنیای امروز اگر در شکل این مبادله تغییری صورت

فنی و تکنولوژی است هرگز از "مقیاس وسیع" احتیاج ایران به خارج سرچشمی هم گام نخواهد شد. در این قرضه به بانک جهانی برای تشدید غسارت و استثمار کشورهای دنیای سوم و نفوذ اقتصادی و سیاسی امپریالیست ها بر آنها گرفتن قرضه از بانک جهانی برای سیردن اقتصاد کشور ما به امپریالیست ها و کارشناسان خارجی آنها و یک به هم آهنگی سیستم پولی جهانی، چنین است سیاست شاه در خد متکذری به امپریالیست جهانی.

۶- بنا بر اظهارات مقامات رسمی ایران، کشور ما در این دوره از نیازمندیهای زندگی خود را در داخل تهیه میکند. این دروغی است که فقط از دهان گویزهای گونسن میخواند بیرون آید. شکست انگیز آنکه علیرغم این اظهارات، درهای کشور ما بروی واردات کالا های خارجی از صنعتی گرفته تا کشاورزی باز است. وارداتی بی بند و بار فرصت است برای آنکه امپریالیست ها تولیدات ملی ما را، بورشکستگی بکشانند. تهران اگر نویسد در علت احتیاج کشور ما به گندم "پاروسوس" اینکه ماشین آلات کشاورزی و کود و سایر وسائل در اختیار کشاورزان "چنین توضیح میدهد: "علت آن بود که ما محصول غله داخلی از خارج گندم وارد میشدیم و با کسب در داخل رقابت میکردیم و برای کشاورزی تولید گندم چون قیمتش ارزان بود نفع نمیکرد، به تدریج کشاورزان به گندم رغبت نشان ندادند تا اینکه زمینه گندم در کشور کم شد." (۲۵ خرداد ۵۳ شماره ۱۰۴۴) در مورد گوشت نیز همین شیوه بکار رفت و اکنون گوشت گویا با استو باید بصورت منجمد و غیر متجمد از خارج وارد کرد.

امپریالیست ها بر اثر آزادی بی قید و شرط واردات گندم به کشور ما وارد کرده و ارزان فروخته اند. در نتیجه تولید گندم کاهش یافته و دچار نقصان گردیده است. اکنون آنها از مشکل کمبود نان و گندم استفاده میکنند و گندم را به بهای گمشدگی میفروشند و در ازای آن قرضه مارا بعبارت میبرند. مگر نه اینست که پولهای دریافتی از نفت را باید بشکلی دوساره به بانکهای اصلی آن بازگردانید؟

اینها فقط نمونه هایی است از سیاستی که شاه اعمال میکند و در خدمت امپریالیسم و بهره امپریالیسم آمریکا است. حکومت ایران که پایه طبقاتی آنرا بطور عمده اقلیت سرمایه دار وابسته به امپریالیسم تشکیل میدهد و شاه فرمانفرمای مطلق العنان است در مهابت خود زانده امپریالیسم آمریکا است. به جز سود امپریالیسم نمیکرد و نمیتواند بگرد. شمسوه توریستی و فاشیستی حکومت شاه نیز از همین مهابت برمیخیزد.

بذیرفته در مهابت امر هیچگونه تغییر روی نداده است. امپریالیست ها با استفاده از امتیازات فراوانی که ایران برای آنان قائل میشود و با صدور سرمایه های اندک، در ایران صنایعی ایجاد میکنند. اما همه این صنایع فقط بکار مونتاز می برند و محصولات مصرفی "مونتاز"ی تحویل میدهند. مونتاز می برند و در تهران مونتاز می برند و بیخجل مونتاز می برند. تمام مواد اولیه و مواد نیم ساخته و قطعات بدکی لازم برای این "نایج" در دست امپریالیست ها باقی میماند و نتیجه این میشود که بهر حال با صدور کالا های صنعتی، امپریالیست ها کالا های واسط یعنی مواد اولیه و مواد نیم ساخته وارد کشور ما میکنند که بدون آنها گشت صنایع ایران امکان پذیر نیست. ظاهر امر اینست که کشور ایران در این صنایع خود توفیق صنعتی خود را در واقع چرخ بر همان منوال سابق میچرخاند. اگر در گذشته فی المثل ران از خارج وارد میشد (که اکنون هم وارد میشود) اکنون اجزاء و قطعات را از بیرون وارد ایران سوار میشود. بدین ترتیب امپریالیست ها همچنان مواد خام ارزان از کشور ما می برند و در عوض محصولات صنایع خود را گران بهاء "ارزانی" میدارند اقتصاد کشور ما مانند پیش "مکمل" اقتصاد کشورهای صنعتی است.

۷- از کرامات اقتصاد: مکمل بازمه اینکه ایران پول هنگفتی در اختیار دارد که نمیداند کجا و چگونه خرج کند. فرانسه نیز گرفتار کمبود موازین پرداخت ها است. ایران و فرانسه از لحاظ پولی هم "مکمل" یکدیگرند شاه یک میلیارد دلار فرانسه اقتضای میدهد تا موازین پرداخت های این کشور را به حال عادی بازگرداند. چند ماه پیش یک میلیارد دلار به انگلستان داد تا به موازین پرداخت های این کشور تازی رسانده باشد. و اکنون دوباره یک میلیارد و دویست میلیون دلار به انگلستان وام میدهد تا صنایع ملی شیده این کشور از ورشکستگی برهانند. ۴ درصد از سهام کربوب را بخیر ما بوضع بحرانی این موسسه بزرگ امپریالیستی کتی کرده باشد. در موقعی که ما میلیون مردم کشور ما نه خوراک ندارند نه پوشاک و نه مسکنی که در آن شکی گرفته اند. شاه میلیارد را ایران در اندیشه است که با پول ترمیم تقریباً میلیارد رهای استثمارگر و غارتگر را از مخصوصه اقتصادی نجات دهد.

۸- با این اقتصاد "مکمل" کشور ما هیچگاه نخواهد توانست در برابر کشورهای صنعتی قدر است کند و تا این اقتصاد بریاست و غارت و تاراج میهن ما و فقر و شبه روزی مردم ما بریختن است.

۹- با استفاده از همین اقتصاد "مکمل" امپریالیسم فرانسه در ایران نفوذ اقتصادی و حتی نظامی خود را گسترش میدهد. در توافقنامه تیان شاه و ژنرال کتر زمینه های افزایش اقتصادی است که فرانسه از آن سهمی نبرده باشد. دریافت گاز و نفت، افزایش حوزه اشکافات نفت، سرمایه گذاری در صنایع و کشاورزی، توسعه تجارت و بهره فروش نیروگاههای اتمی و تسلیحات، ساختمان پترو و ... ۴۲ میلیارد فرانک و رقی "افسانهای"، "کرنائی" در اقتصاد فرانسه، چنین است شوره دعوت شاه ایران برای امپریالیسم فرانسه، چنین است نتیجه دو اقتصاد "مکمل" ایران و فرانسه.

۱۰- اقتصاد ایران مانند اقتصاد همه کشورهای عقب مانده که غرضش از مواد خام مورد لزوم صنایع است و اقتصاد فرانسه و دیگر کشورهای صنعتی را "تکمیل" میکند. این واقعیتی است که امپریالیست ها بهانه تهاست آنرا می شناسند و این واقعیتی است که بخاطر آن کشورهای امپریالیستی و در پیشانی آنها امپریالیسم آمریکا و سرمایه امپریالیسم شوروی در صحنه جهانی با هم رقابت بر خاسته اند و این درست آن واقعیت شومی است که خلق های ایران باید بدان پایان دهند و پایان خواهند داد.

(۱) - از نطق قوام در آستانه ۳۰ تیر ۱۳۳۰

نشریه جدید توفان
آی گزینی
از مجله علمی افراشته

سیاست ... بقه از صحنه ... خرابی ... ۱۳۱۰ ... پایتخت
 کلیه نیروهای متروقی و افراد و گروه‌های یا حسین نیت در یک
 جنبه متحد شوند ...
 "اینست روش واقعا انقلابی در شرایط کنونی مبارزه که
 وجه تشابهی با انقلابی‌های توتالی و پیشتوانه انقلابی نداشت
 آنها در گذشته اصلاحات شاه را می ستودید و آنها
 را مثبت ارزیابی میکردند ... سیاست خارجی شاه را (البته
 تا آنجا که به نفوذ شوروی میدان میداد) متروقی می شمردند
 تغییرات مثبتی که طی ده سال اخیر در زمینه سیاسی
 انداختن مناسبات قدرت ملی و صنعتی کردن کشور روی داده
 است" (تکیه از توفان)
 در زمینه سیاست خارجی برخی تغییرات مثبت روی
 داده که عبارتست از بهبود و بسط مناسبات و همکاری اقتصادی
 و فنی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی (تکیه
 از توفان)
 در زمینه اقتصادی و سیاسی داخلی و خارجی شاه مثبت
 باشد تاگزیر باید به پشتیبانی از آن برخاسته و فقط به انتقاد
 از معایب و نواقص آن پرداخت به او راه نشان داد و تقاضای
 های او را در کنار یکدیگر قرار داد و او را تحت فشار گذاشت
 تا بر دانه جنبه‌های مثبت سیاست خود بیفزاید و همین جهت
 آنها در گذشته و حتی گذشته نزدیک نه تنها با رای
 قهرآمیز و مبارزه مسلح فاصله گرفتند بلکه با راه‌گاری از آنها
 و دشمنیها بر سرچرخهای ایران که سلاح در دست علیسه
 رژیم میگردیدند فرو ریختند "فعالیت همه معدودی هم
 گذار که نام چریک بر خود نهاده اند توجیه کننده اراده
 اختیاری و استبداد نیست ... بالعکس فشار و اختیاری کنونی به
 چپ‌روهای انقلابی نما امکان میدهد که عملیات شورشی خود
 را توجیه کنند ... آنها فعالیت مبارزان چریک را ملهم از مبارزان
 امنیت شمردند و آنها را سرزنش کردند که به مقامات حاکمه
 امکان میدهند که "بزرگ اسلحه سکوت قبرستان را در کشور بشکند"
 کنند ...
 دبیر دارودسته "کمیته مرکزی" در گفتارنش جهان‌سوس
 احزاب "کمیته‌ی و کارگری" کلیه وظایف کبیر و ضمیر رژیم
 نیست های ایرانی را بر شمرده و بر این شعار سرنگونی رژیم
 شاه چنان نداشت ...
 اما اکنون بیکار از دهان آنها شنیده میشود که:
 "راه‌های طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی راه
 جبهه‌ها و جنبه‌ها را برای خاتمه دادن به حکومت مطلقه
 شاه و برجیدن بساط رژیم ترور و اختیاری است ...
 در راه پیروزی شوروی "پیک ایران" روزی نیست که به
 عبارتی نظیر عبارت فوق بر نخورد ... این رژیم در شین مردم
 است و مردم آنرا تحمل نخواهند کرد ... (همین رئیس که
 "مناسبات قدرت ملی را برانداخته" و "کشور را صنعتی کرد"
 است توفان)
 "مردم باید برای رهائی از دشمن شیوخ (یعنی
 شاه - توفان) چاره ببینند ... "مردم حق دارند اشکال
 تازهای برای مبارزه خود انتخاب کنند" (کدام شیک؟ مبارزه
 مسلحانه؟)
 البته آنها هنوز مردم را علنا به قیام مسلح فرا نمیخوانند
 و "اندیشیدن چاره" را بخود مردم وامیگردد ... چنین چیزی
 با سوابقی که در این امر دارند دشوار است ... ولی در عین
 حال مبارزه چریکی را با آن سستی و سختی سابق در نمیکنند
 و به هیچ درازند بسوی هواداری از مبارزه چریکی میخرسند
 لطمه می‌جاءند چلی را با آب و تاب از رادیو میخوانند آنها
 در این راه گام گذاشته‌اند که از مبارزه جاننازانه چریک‌های ایرا
 بسود خود پیروز بسود سوسیال ... امپریالیسم شوروی سو
 استفاده کنند ...

امپریالیسم آمریکا در ایران و تا بین منافع فارتکران خارجی و
 داخلی و از آنجمله شخص خود و بر بار سلطنتی
 واقعیت اینست که رژیم ریاست های ایران عقیده و روش
 و سیاست مستغنی که از شرایط جامعه ایران و از تحلیل طبقاتی
 جامعه بر خیزند اندازند ... افکار و عقاید و فعالیت آنها در تمام
 زمینه ها منوط به سیاست شوروی در قبال ایران شاه و طبقه
 حاکمه است ... آنها آزادی و استقلال ایران و حتی گذار به
 سوسیالیسم را نه در مبارزه خلق علیه نیروهای سپاه امپریالیسم
 و ارتجاع و نه در مبارزه طبقه کارگر بلکه در بسط و توسعه رژیم
 سیاسی و اقتصادی فرهنگی و نظامی با اتحاد شوروی میبینند
 با این ترتیب روشن است که هر زمان که شاه و دولت
 پوتالی این به اتحاد شوروی روی خوش نشان میدهد و امکان
 برای نفوذ در ایران و غارت منابع ثروت با فراهم میآورد ...
 رژیم شوروی ها ارضی ستایند ... سیاست داخلی و خارجی
 او را مثبتی ببینند ... اما آنگاه که شاه از این پاره بر تیگرود
 حملات انقلابی علیه او آغازین میگردند ...
 تاریخ ۱۵ سال گذشته مناسبات ایران شوروی شاهد
 این روش رژیم ریاست های ایرانی است ... مناسبات ایران و شوروی
 از زمان کودتا که تقریباً اصادق با روی کار آمدن خورشیدچف
 است تاکنون شاهد جزو روند هائی بوده است که گاهی بهبود
 یافته و زمانی بوجامت گرائید ... در موقعی روشی آن تا فروش گاز
 ایران به شوروی و حتی تا انحصار قرارداد "کک" پاییز سال
 پیش رفته است ...
 اکنون دوباره ابرهای تیره‌هاقی این مناسبات را پوشانیده
 اند ... سیاست رژیم ریاست های ایرانی در تمام این دوران به
 تابع این جزو روند ها و فراز و نشیب ها بوده است ... تا کجیک کتبی
 آنها که مردم را به سرنگونی رژیم فرا میخوانند و تلویحاً حاکمیت
 مسلح و مبارزه چریکی را تجویز میکنند از تریکی اخیر روابط
 شاه و شوروی ناشی میشود ...
 ماهنامه توفان در شماره تیرماه ۱۳۵۱ (شماره ۵۹)
 در همان موقع که رژیم ریاست های از "چرخش شاه در سیاست
 نفتی" سخن میکنند در مقاله خود پس از آنکه هرگونه جنبش
 شاه را در سیاست نفتی یا تکیه بر واقعیت و حقایق رد کرده
 نوشتند:
 "روابط شاه با شوروی به سوتی گرائید است ... حملات
 رادیوی شوروی "پیک ایران" نیز بدولت ایران (البته
 هنوز نه به شاه) از همین جا سرچشمه میگردد ... اما
 باید بزودی منتظر بود که شاه ایران بار دیگر "پس
 بهتر" از آب در آید و تبلیغ بخاطر سرنگونی ساختاری
 در دستور کار آنها نیز قرار گیرد ...
 در برابر این نوشته "ماجهان‌پویان رژیم ریاست های
 العمل نشان دادند و نوشتند:
 "شایان ذکر است که یک تئوری فارسی وابسته به آلبانی
 ناگهان از اینکه مناسبات ایران و شوروی "سودی گرائید" خبر
 میدهد بدون آنکه خوشحالی خود را پنهان دارد ...
 "موافقت نامه های جدید بین ایران و شوروی در زمینه
 بسط مناسبات بازرگانی و اقتصادی و فنی بین دو کشور بار
 دیگر نشان میدهد که اولاً متحدین امپریالیست ها در تخریب
 مناسبات ایران و شوروی کوشش میکنند ... ثانیاً بار دیگر عدم درک آنها
 را از مسیر حوادث سیاسی به ثبوت میرساند ... ثالثاً اینها که
 مانند همیشه آرزوها و تمایلات خود را بجای واقعیت میگذازند
 بار دیگر با ناکامی روبرو شده اند" (مردم مردان ۵۱)
 اکنون بر همه و بر خیزد رژیم ریاست های روشن است که
 پیش بینی توفان و درک سازمان ما از مسیر حوادث سیاسی که
 مبتنی بر تحلیل رویداد ها بود تا جمیع دست یود و امروز رژیم ری
 نیست ها همانطور که توفان پیش بینی کرده بود برای سرنگونی
 شاه تبلیغ میکنند ...
 تشریح مردم در شماره ۱۰ همین ۱۰ نوشتند: "با میدانیم
 که یک روش اصولی که از درک منافع مردم و از درک واقعیت
 بر خیزد ... طریقه ناکامی های دو وقت در طول تاریخ راه خود را
 بی امان بجلو خواهد گشود ... بدون شک سخن درستی است
 اما متأسفانه شایع گینندگان آن نمیشود ... زیرا روش آنها غیر
 اصولی است که نه از درک منافع مردم بر خیزد و نه از درک
 واقعیت بلکه ناشی از تاملین منافع و طامع امپریالیسم شوروی است ...
 چنین روشی در طول تاریخ محکوم ناکامی و شکست است ..."

پروزی هیچگاه خود بخود بدست نیاید ...
 آن را کسان کسان مبارزند ...

استان
 سرنگون باد ... بقه از صحنه
 چندی پیش در کارخانه تولیدی از صنعت انفجاری
 که منجر بقتل و جرح ده‌های از کارگران گردید ، کارگران به
 اعتراض و بخاطر بهبود شرایط کار و زندگی خود تظاهرات
 اعتصاب زدند . رژیم شاه بجای پذیرفتن مطالبات حق آنها
 آنها را به گلوله بست ، عده‌ای را قتل و مجروح ساخت و
 بیکار دیگر چهره فد کارگری خود را نشان داد .
 سیاست ضد کارگری رژیم شاه قابل درام نیست و نمیتواند
 کارگران را از مبارزه بازدارد . از آنزمان که سرمایه‌داری با
 بحرصه وجود گذاشت ، طبقه کارگر مبارزه خود را علیه
 سرمایه‌داری آغاز کرده است و هیچ فشار و اختیاری
 شده ن توانسته است و نخواهد توانست طبقه کارگر را از
 طبقاتی و از مبارزه در برابر استثمار و شرایط دشوار زندگی
 و کار بازدارد . بیرون نیست که بیکار طبقه کارگر بر سایر
 جهان روز بروز دانه و شدت بیشتری میابد و موجود است
 نظام سرمایه‌داری را تهدید میکند . اما شاه و یارانش
 فیکند با حيله و تریک و کوشش در تفرقه بین صوف کارگران و
 بالاخره با کشتار کارگران میسوزد از چنین مبارزای جلوه گرفت .
 زندگی زنجیران ایران براسی رقت بار است و سرکار
 آنها با رژی است که به مطالبات حق آنها با گلوله پاسخ
 میدهد و مبارزات آنها را هر یار بخون می کشد . ولی کارگران
 بیدار و آگاه ایران همچنان سخت و استوار مبارزه را ادامه
 میدهند و آنکه سرانجام از این مبارزه پیروز بیرون میاید طبقه
 کارگر است .

کارگران ... بقه از صحنه
 ایران را تجسیت
 نظارت خود گرفته است . از اینها گذشته ایجاد کارخانه
 ذوب آهن به شوروی امکان دارد که سببی از جاسوسان شوروی
 بمشاوران کارشناسی به ایران روانه سازد تا شبکه جاسوسی خود
 را یکسازند و در موقع ضرورت به فعالیت های خرابکارانه دست
 زنند . چنین است تاجیحی که بر "کک" شوروی شریک گردید
 است .
 اما این هنوز تمام نیست . ایران یکی از کشورهای
 که در آن رقابت سازمانهای جاسوسی شوروی و آمریکا با شریک
 جریان دارد . نفوذ سوسمال امپریالیسم شوروی که شاه خیار
 پیشه نامت و بی استعصا عمل امریکار را برانگیزد ، در
 هلمسز رئیس سابق سیا بمشاوران سفیر امریکا فعالیت یزد الله
 او در ایران ، روزی تعداد کثیر "کارشناسان" امریکاستانی در
 دنبال هلمز به کشور ما ویرانگنده شده آنها در تشریح ایران
 پیروز در مناطق تجار خلیج فارس و بحر عمان ، گفته‌اند
 رقابت شوم و دروغ در کشور ما است .
 در همین "ما" "مشاوران" "سپاریز آمده" و با اختیاری
 تمام و سری ناخبر بر سر سخنان بیغای آن شسته‌اند . در
 این میان زوایر قدرت با رقابت خود در صحنه ایران آرامش
 رفا و آزادی نوده های مردم را بر هم زد و اند . این و پنهان
 غارتگر در عین اینکه با هم مغازه میکند ، چشم میدن بیکدیگر
 را ندارند ولی مردم ایران را طاعت تحمل هیچکدام نیست .

خوانندگان توفان دقت فرمایند
 از ماه اکتبر آدرس ما خانه توفان تغییر میکند .
 آدرس جدید آن چنین است :
 X DR. GIOVANNA GRONDA
 87030 ARCAVACATA (CS)
 ITALY

تفوان مکاتبات
 X GIOVANNA GRONDA
 24030 VILLA D'ADDA ITALY
 حساب بانکی
 X GIOVANNA GRONDA
 CONTO 17549711
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO ITALY

سرنگون باد رژیم ضد کارگری شاه!

گاز ایران، جلوه‌ای از ماهیت امپریالیستی شوروی

به اندازه‌ای است که برای افزایش بهای گاز باید بپردازد. دولت ایران پیشنهاد میکند که قیمت گاز چسبان برابر شود و هر هزار مترمکعب به ۳۴ دلار برسد. اما شوروی با اینکه بر اثر افزایش قیمت بهای گاز، گاز را به قیمتی برابر با بیش از این مبلغ به کشورهای اروپای غربی می‌فروشد و ماهی است از موافقت با چنین افزایشی طفره می‌برد. چنانچه می‌تواند از اکران را با این قیمت مواجه می‌سازد و بتعمیق بی‌اندازه شدن شاید با اعمال فشار بتواند دولت ایران را به تسلیم و پرداخت پیشنهادهای خود وادارد. تحریرهای رادیویی "پیک" ایران، در اثر به دعوت مردم به سرنگونی رژیم شاه از همین جهت سرچشمه میگردد.

دولت شوروی از هم اکنون به دولت انترنشنال اعلام کرده که پس از خاتمه قرار داد هفت ساله فروش گاز در ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ قیمت گاز را به ۶۹ دلار یعنی تقریباً پنج برابر افزایش خواهد داد. در این دولت "سوسیالیستی" آنجا که فروش گاز مطرح است قیمت را پنج برابر افزایش میدهد. اما در مورد خرید از قبول قیمت مناسب‌تر میزند. بحالا و چنانکه بهای گاز ایران چهار برابر شود و به ۳۴ دلار بالغ گردد باز این بها فقط نیمی از بهای فروش کاری است که شوروی به انترنشنال تحویل خواهد کرد. در واقع شوروی در معامله گاز با کشورهای اروپای غربی سودگرم است از ۳۰ دلار از هر هزار مترمکعبی که طلبند.

روزی نیست‌های شوروی هنگامیکه بهای نفت به چسبان برابر افزایش یافت به ستایش از شاه ایران برخاستند اما اکنون که صحبت بر سر افزایش بهای فروش گاز به شوروی است بیکبار همه چیز زبرور میشود. حملات به شاه در برده از جانب رادیو و مطبوعات شوروی و بی‌پرده و صریح از جانب روزنیست‌های ایرانی آغاز میگردد. باید از این آقایان پرسید چنانچه علت سیاست افزایش بهای نفت قابل تقدیر و نشانه پیشرفت با امپریالیسم است ولی اعمال همین سیاست در مورد گنجان محکوم.

روزی نیست‌های ایرانی پیوسته از "کک" شوروی به ایران و معجزه های آن در امر پیشرفت کشور و نیل به آزادی و استقلال سخن میگویند. شاه هم بر آنست که برای پیشرفت و برخورداری از آزادی و استقلال باید با دنیای غرب پیوسته با امپریالیسم امریکا در پیوند بود. واقعیت اینست که امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیستی شوروی سر و ته یک کربا است. "کک" آنها از یک قماش است و وسیله ای است نه برای نیل به پیشرفت و آزادی و استقلال ایران بلکه وسیله ای است نه برای کمترین نفوذ و سلطه آنها که بر ایران عیان ماندگی و اسارت میهن فاست.

شوروی با این "کک" کارخانه ذوب آهن را به قیمت گزافی به ایران فروخت. درازا آن گاز به بهای ارزان از ایران دریافت میکند. از فروش گاز ارزان ایران با قیمتی نمراتب گرانتر به کشورهای اروپای غربی سود کلانی به سه ساله بدست میآورد. شوروی با این "کک" تولید آهن و فولاد را به قدری رخصه کرد.

در ۱۳۴۰ شوروی قراردادی با ایران منعقد ساخت که برای ایران کارخانه ذوب آهن احداث کند و درازا آن گاز ایران را در سرحد اتحاد شوروی تحویل بگیرد. تحویل گاز از ایران از سال ۱۳۴۹ آغاز گردید. ماهنامه توفان بوقع خود نشان داد که سوسیال امپریالیسم شوروی چه سود کلانی از این معامله بدست میآورد و چگونه کاری را که از ایران به بهای هر هزار مترمکعب ۶۹ دلار میخرد به ارزش به مبلغ قریب ۱۰ دلار میفروشد و از این غارت سالیانه ۶۴ میلیون دلار سود خالص میبرد. این درست همان عملی است که شرکت‌های امپریالیستی انجام میدهند. مگر نه آنست که این شرکت‌ها نفت را به بهای ناچیزی از ایران می‌بایند و به بهای گرانی می‌فروشند و از این مبادله نابرابر سود فراوان میبرند؟ این چگونه کشور سوسیالیستی است که بر سبب انحصارهای نفتی و بطور کلی انحصارهای امپریالیستی عمل میکند؟ آیا این نشانگان نیست که شوروی در ماهیت خود قدرتی بزرگ امپریالیستی است و ظاهر خود را میگذرد با نقاب سوسیالیسم میپوشد؟

شوروی با فروش کارخانه ذوب آهن معامله تجارتنسی بزرگی با ایران انجام داد. در قرار داد ارتش کارخانه رمدو سیصد و پنجاه میلیون دلار (بنابر برآورد ماه لودنو ۱۷۰ میلیون فرانک) برآورد شده بود. اما در پایان شوروی از دولت ایران مبلغی در حدود شصت و پنجاه میلیون دلار (۳۷۰ میلیون فرانک) طلبه کرد که ایران بایاترا ظرف مدت هفت سال با فروش گاز به شوروی باید بپردازد. اکنون همه ساله سه میلیارد مترمکعب گاز به شوروی صادر میشود و شوروی با فروش آن به کشورهای اروپای غربی به قیمتی چند برابر همه ساله از گاز ایران سود هنگفتی بدست میآورد.

برای افزایش بهای گاز "شرایطی" که در قرارداد ذکر شده اینست: هر وقت قیمت نفت کوره از ده تا سی درصد تخفیف کرد قیمت یک سوم گاز که به "رویل" پرداخت میشود قابل تغییر است. اما اگر تغییر از ۳۰ درصد بیشتر بود مجموع قیمت گاز چنان قدر که به رویل پرداخت میشود وجه آن مقدار که به دلار داده میشود کلاً قابل تغییر است. (اطلاعات سوم تیر ۱۳۰۳) در ۱۹۷۲ بر اثر افزایش بهای نفت بهای گاز ایران نیز بر طبق مواد قرارداد سه درصد افزایش یافت و به ۹ دلار بالغ گردید اما اکنون افزایش بهای نفت

سرتنگون باد رژیم ضد کارگری شاه

رژیم ترور پر از ایران بر آنست که کارگران بر اثر قانون شهیدشدن کارگران در سود کارخانه گویا به زندگی مرفه‌تری دست یافته‌اند. رژیم روح پر از شاه بازم بر آنست که دهقانان ایران با دریافت زمین گویا از راه و زندگی انسانی منتفع گردیده‌اند. اما واقعیت اینست که زمینکشان همین ما بعینت فقر و گرسنگی و بیگاری قادر نیستند زندگی حتی بخورونگیری برای خود و خانواده خود فراهم آورند. عده زیاد از آنها علی‌رغم مخاطرات فراوان به شیخ نشینهای خلیج فارس مهاجرت میکنند تا در آنجا دور از وطن و کانون خانوادگی کاری بیابند. مگر ناچیزی بدست آورند و از آن بخشی را هم برای خانواده خود به ایران بفرستند.

اکنون در کیت ده‌ها هزار کارگر و دهقان ایرانی نیروی کار خود را میفروشند و همه کوفه تحقیر و توخین می‌بینند. شرایط کار آنها طوری است که به هیچوجه از سوانح مهون نیستند. بطوری که روزنامه‌های ایران نوشتند در کیت یکی دو ماه پیش یک ساختمان چند طبقه در زمین ساختمان فروریخت عده ای از کارگران ایرانی که در آن بکار اشتغال داشتند در زیر آوار ماندند و جان سپردند. با مرگ این انسانهای شریف و زحمتکش که هزاران امید در دل می‌پروراندند خانواده‌های آنها نان آور و سرپرست خود را از دست دادند و در غم عزیزان رفته و آینده‌ای تاریک نمی‌بینند.

سرمایدار از آمدن راکه از اشتغال کارگر کوفت می‌اندوزند چمبک که در مها کارگر جان خود را از دست میدهند. آنها بخوبی میدانند که با فقر نسبی که در ایران حکمفرما است کارگران دیگری جای رفتن را بر خواهند کرد و بسا استی کار از آن خود همچنان کسبه طمع آنها رخواهند انباشت.

بر درون کشور وضع کارگران به از این نیست. رژیم شاه در کینه و دشمنی نسبت به طبقه کارگر ایران جد و مریز می‌شناسد. از "کارگران عزیز" زیاد صحبت میکند ولی هیچ حقی برای آنها قائل نیست حتی حق اعتصاب. کینه کارگران امکان میدهد در برابر تجاوز ناعدود سرمایه و استکبار شدید مقاومت بخرج دهند. در رژیم شاه "کارگران عزیز" فقط حق براندازی نیروی کار خود را از آن بفرستند. در ۱۹۶۱ ریاست در روز کار کنند و مطبوع و مقام بدست سرمایه داران گم شدند و خواست‌های آنها را گردن نهید. اگر چنین کنند آزار و شکنجه و اخراج و بیگاری و حتی زندان مسلسل است. در انتظار آنها است.

رژیم شوروی در کینه و دشمنی نسبت به طبقه کارگر ایران جد و مریز می‌شناسد. از "کارگران عزیز" زیاد صحبت میکند ولی هیچ حقی برای آنها قائل نیست حتی حق اعتصاب. کینه کارگران امکان میدهد در برابر تجاوز ناعدود سرمایه و استکبار شدید مقاومت بخرج دهند. در رژیم شاه "کارگران عزیز" فقط حق براندازی نیروی کار خود را از آن بفرستند. در ۱۹۶۱ ریاست در روز کار کنند و مطبوع و مقام بدست سرمایه داران گم شدند و خواست‌های آنها را گردن نهید. اگر چنین کنند آزار و شکنجه و اخراج و بیگاری و حتی زندان مسلسل است. در انتظار آنها است.

شبهه‌هایی که خاموشی شد

رفیق توان زبان‌شمار عضو سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان در چند ماه پیش در اثر یک سانحه اتومبیل درگذشت. رفیق توان زینقدر در اواخر سال ۶۰ به "گناه" خدمت به طبقه کارگر ایران و مبارزه انقلابی در تبریز ساواک به سازمان توفان در ایران دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه‌های درمناشه ساواک و نقای مبارزه جویانه در اردگاه فرمایشی شاه در کوه اول که شامل بیست نفر بودند به سه سال زندان محکوم شد. سانحه اتومبیل درست پس از آزادی او از زندان اتفاق افتاد و این واقعه غیر مترقبه به مبارزات سیاسی ایرانیان بخشید. امروز در میان ماهیت و قارونیز شدن شوروی خود و سایر رگفایش را در جهت احیای حزب طبقه کارگر در برصه ایران نظاره کند ولی سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان یاد او را گزین میدارد و میگوید از روشی را که او خود قنادر شد متحقق کند. جامعه عمل بیوشاند. یاد او و سایر فرزندان قهرمان خلق همیشه زنده و جاوید باد.

یاری رسان نیروی توفان را

سازش باروینزیونیست‌های ایرانی همدستی بادشمنان خلق است!

دم خروسی!

یکی از بزرگواران نوجوانه شوروی این بار در مسکو رسوائی بیار آورد.

خانم یگاترینا فورسوا عضو سابق پیوند سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی که پس از سقوط خروشچف مقام خود را از دست داد و به مقام وزارت فرهنگ منصوب گردید در اتریا مسکو بنام دختر خود ویلای مجلی بنساکرده که ارزش آن ۱۷۰۰۰ دلار است. این جناب وزیر مخارج این بیچاره نه از جیب خود بلکه با پول دولت پرداخته است.

اکنون که کس این رسوائی را در مسکو بر سرپا می‌کوبد اند و برای حفظ "حیثیت و اعتبار" اتحاد شوروی-سوسیالیستی خانم وزیر نباید بخشی از پول دولت را - و البته نه تمام آن - بدولت باز می‌دهد. و باز هم برای حفظ "حیثیت و اعتبار" اتحاد شوروی "سوسیالیستی" خانم وزیر از این بار دیسکراز صدوق انتخابات شوروی عالی اتحاد شوروی سر برد می‌آورد.

این رهبر حزب و دولت شوروی کاخ مجلی به ارزش قریب یک میلیون و چهار صد هزار تومان برای خود میسازد و پول آنرا نیز نه از جیب مبارک بلکه از دسترنج کارگران و دهقانان تأمین میکند.

روزی نیست‌های ایرانی بر این واقعیات که نه تنها استثنائی نیست بلکه در نزد مقامات بالای حزب و دولت تقریباً همه گیر است. عده ای از آنها را نیز بدین سبب از مقامات خود معزول ساخته‌اند. چشم خود را می‌بندند و آنگاه فریاد می‌آورند که احیای سرمایه داری در شوروی "افسانه" ای پیش نیست. گویا داشتن کاخی مجلل به ارزش یک میلیون و چهار صد هزار تومان آنهم از راه حیف و میل دارائی خلق سر موی هم از خلعت "پرولتری" این رهبر حزب و دولت شوروی نیگامند!

آموزش «رایگان»

روزنامه اطلاعات روزی عنوان داشت: آموزش وزیر شری طبقاتی باقی ماند. ضمن انتقاد از بخشنامه وزارت آموزش و پرورش (و البته نه فرمان شاه) نمونه زیر را می‌آورد:

"آقای "مهدی زبانی" کارمند میگوید: وقتی برای نام من نویسی مدرسه بدرد منش مراجعه کردم مدیر مدرسه در کمال صراحت گفت:

"الته از شما شهریه نمیگیریم ولی اگر میخواهید پستان به این مدرسه بیاید و انگلیسی بخواند و ماشین بکشد و نتالین بیاید و همینجا ناهار بخورد یا که سه هزار تومان بپردازد (کمی بیشتر از شهریه ای که هنرستان می‌پردازد) مدرسه قیمت خدمات اضافی را جدا نمیداند. سه برابر افزایش داده است، گرانی قیمت‌ها و بالا رفتن حقوق شوفر و خدمتکار را بهانه کرده است. ما استیفا می‌کنیم معنی رایگان شدن تحصیلات اینست؟"

اطلاعات اول خرداد ۱۳۰۳

آری، در رژیم شاه معنی "رایگان" شدن اینست!

سازش باروینزیونیست‌های ایرانی همدستی بادشمنان خلق است!